

باختر امروز

مؤسس: شادروان دکتر سید حسین فاطمی
نشریه سازمانهای جبهه ملی ایران در خارج از کشور
(بخش خاورمیانه)

«جریده باختر امروز»
نشریه
منظمات الجبهة الوطنية الايرانية
في الشرق الاوسط
العدد الرابع والاربعون
السنة الثالثة
تموز ۱۹۷۲
المرحلة الرابعة

تذکر مهم

بعثت توطئه های ارتجاع لبنان و سیستم پلیسی حاکم، استفاده از آدرس پستی و بانکی باختر امروز در لبنان متضمن خطراتی از نقطه نظر امنیتی برای مکاتبه کنندگان است. بدین وسیله به کلیه رفقا و خوانندگان تذکر میدهم که با آدرس بیروت مکاتبه نکنند و وجوه آبونمان نشریات و کمپهای مالی خود را از طریق بیروت نفرستند ما در آینده آدرس جدیدی در اختیار هوطنان قرار خواهیم داد. این تذکر را برفقای دیگر خود نیز اطلاع دهید.

شماره - ۴۴ - سال سوم

دوره چهارم

مرداد ۱۳۵۲

چهره یک



انقلابی

نوشته مجاهدین خلق ایران

زندگی با طول کم و عرض زیاد

در باره رضا چه باید گفت؟ او تجسم اراده یک ملت تحت ستم و مسمی به نبرد بود. رضا چشمه جوشان خشم خلق ستمدیده ایران بود. رضا با خود اندیشه، زیرکی، پشتکار، حوصله کم نظیر و شجاعت داشت. رضا رژیم شاه را خیلی رنج داد. کمتر کسی از انقلابیون ایران مانند رضائی رژیم و پلیس ددمنش و ضد مردم را سر در کم کرده و آزار داده است.

رضا اولین کسی بود که در سالهای اخیر در شرایط قدرت جهانی پلیس، مأموران را گول زد، پریش آنها خندید، پوشالی بودن قدرت پلیس و حماقت آن را نشان داد و نتیجه گرفت که اگر زوانگ باشیم و اگر بهوش باشیم، پلیس بسیار خرفت تر از آن است که می پنداریم. قرار او از زندان که پس از دستگیری او صورت گرفت «یعنی در دیماه ۵۰» میلیونها انسان رنج دیده ایران را شاد کرد. صدها آفرین از دل آزادخواهان جهان در تأیید او برخاست. رژیم شاه گریج شد، بدست و پا افتاد و فرار او را تکذیب کرد. اما نامه رضا رضائی مجاهد خطاب به مردم آزادپخواه جهان و شرح فراز او در مطبوعات دنیا بعنوان سندی از مبارزه مردم ایران منتشر شد. روزنامه فرانسوی لوموند که تقریباً نیم میلیون تیراژ دارد شرح فرار رضائی و مطلبی در باره آنرا در نیم صفحه بطور کامل انتشار داد. شاه با همه دستگاه عریض و طویلش باید میلیونها تومان پول بدهد تا روزنامه های دنیا در باره اش مطلبی چاپ نمایند، اما اخبار انقلابیون ایران را روزنامه های دنیا سر دست میبرند. قدرت معنوی انقلابیون ایران بسیار بیش از آنست که رژیم شاه میندازد. وجدان مردم آزادپخواه جهان با خلق ایران است. مردم آزادپخواه دنیا خوب قدر انقلابیون مسلح و خستگی ناپذیر ایران را میدانند. انقلابیون فلسطین، رضا رضائی، مجاهد شهید را بعنوان یک رزمنده عالیقدر انقلاب ضد امپریالیستی جهان میستایند.

رضا بکسال و نیم پنهان از چشم پلیس کار کرد، بکسال و نیم سازمان باصطلاح قدرتمند و شکست ناپذیر امنیت در بدر بلنبال رضا گشت ولی موفق نشد. رضا در طول این مدت بسیار بیش از آنچه که از یک تن میتوان انتظار داشت، کار کرد.

بقیه در صفحه ۲



وقتی سرنوشت ورنهائی خلق از بندمای اسارت بیمان می آید؛ چگونه ممکنست با آغوش باز تمامی خطرات را بجان نخرید؟ چگونه ممکنست با تاامهت تمام جان خویش را در این راه فدا نکرد؟ چگونه ممکنست لحظه ای رنجهای خلق را فراموش کرد و از فکر سربردن بدشمن غافل ماند؟

«رفیق اشرف بهمنانی»
فرار از زندگ مزدوران دشمن

۵ فروردین ۱۳۵۲

خلق مبارز ایران

درشرا پدلی که ناقص مرگ امپریالیسم و حکومتهای ستم خاندانه چون حکومت شاه مزدور بحسب جمله جنیبی های آزادی بخش بعد از آمده است. درشرا پدلی که توان مقاومت امپریالیسم جهانی را بیکر کردگی امپریالیسم امریکا در برابر سول خروشان تاریخ یعنی قدرت خلق ما رویه نابودی است. درشرا پدلی که وحشت و ترس تمام وجود نهر و مای ضد غلبنی را در بر گرفته و عطاری جدی آنها را تهدید می کند. هیچ تمام نیروهای ضد خلقی برای مقابله با این سول خروشان، برای مقابله و اصلاح سرکوبی جنیبی های آزادی بخش خلق، تلافی عاجزانه و بی شمر است زیرا هیچکس را از حاکم تاریخ که خلق ها عامل اجرای آنهاند راه گزیری نیست.

جنیبی مسلحانه ایران نیز بعنوان تنها راه کسب آزادی ورنهائی خلق از زیر ستم امپریالیسم و حکومت ستم نمانده شاه، بعنوان تنها راه رسیدن به جامعه بی طبقات و نابود کردن سرگوشه استعمار انسان از انسان، هر چه سال بعد در تحت شرایط مختلفان کامل توسط بهمنانیان فدا نشی خلق با جنیبی هم مسلک آغاز شد و پس از آن سایر نیروهای انقلابی به بهام رزمندگان پوشتاز با مسخ مثبت داده و به نبرد بهوشند و هم اکنون جنیبی مسلحانه خلق ما بعنوان وا قضتی انکارنا پذیر سر و تثبیت شده برسد سریع خود ادامه داده و تا به روزی شپائی بهی خواهد رفت.

جنیبی در این مدت با عبور از مرزهای دشوار و تجاربی کسب نمود که هر یک به بهای خون باکترین وفدا کارترین فرزندان خلق ما تمام شده است.

بهمنانیان فدائی خلق این سرسخت ترین مبارزین راه آزادی و هرگز بهمان و میثاق و در با با خلق نشکسته اند و در سخت ترین شرایط جز به پیروزی خلق به چیزی نمی اندیشند. سینه سخیبششان آماج گلوله ها و دیدنشان در زیر هکنجبه های وحشیانه ترار گرفته و می گیرد ولی سیر گز به آرمان خود، به خلق خود پشت نمی کنند و لحظه ای بدشمنان خلق روی نمی زنند.

دشمن محدم به نابودی است. این یک ضرورت تاریخی است. ولی دشمن مرکز باآسانی خود را تسلیم این حکم نمی سازد و برای حفظ موقت بتا و رویزوال خود که در هر لحظه مرگ را بهیما روی خود می بیند، دست به وحشیگری و دستار می زند. شکنجه میکند و تیرباران می نماید. ولی چه باک! انقلابیون صادق خلق، جان برکف بر علیه دشمن برای آزادی می جگند و در شرا پدلی که قرار گیرند این مبارزه را ادامه میدهند. خواه در میدان نبرد و خواه در زیر سیخانه ترین شکنجه ها در اسارت تناء و خواه در دادگاههای نظامی فاشیستی شاه. دشمن بارها و بارها مذبوطانه تلافی کس کرده است. در زندان خلق را به سازش وانا ارد و ولی با اربادشمن سختی نیست، بیمان مسنا و دشمن گلوله حکم میکنند. ما به بهمنانی که با خلق خود بسته ایم و خون خود را گسرا ه این

بقیه در صفحه ۲

★ هم اکنون ۱۴ تن از زنان مبارز در یکی از سلولهای زندان قصر زندانی هستند. برخی از آنها شهیدان تحت شکنجه های وحشیانه قرار دارند.
★ مبارز قدیمی بازار تهران آقای شانه چی را همراه با پسر و دختر بزرگش دستگیر کرده اند.
★ شانزده کارگر در یک کارخانه در جنوب تهران در حال ساختن اسلحه دستگیر شدند.

این حق مسلم توده ها است که خشونت امپریالیسم را با خشونت انقلابی پاسخ دهند

بقیه - زندگی با طول . .

او پیاری هست، اراده و کیفیت عالی انقلابی که داشت، توانست در کنار دیگر برادران رزمنده اش شکوفاترین مراحل جنبش مسلحانه ایران را شاهد باشد. و بدین آن سهم بزرگی ایفاء کند. در طول این مدت رضا و سازمان انقلابی ای که رضا برای آن کار میکرد و رهبری آن شرکت داشته روز بروز بهتر رشد کرد. سازمان مجاهدین قربانها داد، ضربات زیادی را تحمل کرد ولی حدود ۲۰۰ سلسله عملیات نظامی علیه دشمن انجام داد. دلهای خائنان را لرزاند شاه را در تزلزل و تردید فرو برد. پاریس بگریه انداخت و این کم نیست. قهرمانان مجاهد همکار رضا پرچم رسالت برادران شهید و زندانیان را خوب بدوش گرفتند. فکر و استراتژی سازمان را شناسانند. کتابهای سازمان را در داخل ایران و در زیر شدیدترین ضربات پلیس منتشر کردند. امروز هر کجا در ایران که سر بزی از دفاعیات مجاهدین نشانه ای هست. چه کسی مهدی رضائی و دفاع قهرمانانه او از مبارزه مسلحانه خلق ایران را نمیداند؟

رضا در کادر رهبری سازمان مجاهدین و در کنار دیگر برادران خود وظیفه خود را بهتر از آنچه توقع میرفت انجام داد. او بحق مایه افتخار ابدی سازمان مجاهدین و نیز خلق قهرمان ایران است. رضا در بسیاری از عملیات و طرح آنها شرکت داشت. رفقای او رئیس جاسوسان، سرلشکر سعید طاهری منفور را به چنگ آوردند و سلاحش را مصادره نمودند. این ضربت کوچکی به پلیس نبود. مقایسه کنید رژیم با چه امکاناتی چه مخارجی میکند ولی رضا را نمیتوانست پیدا کند. رضا در پیش چشم او راه میروند، عملیات انجام میدهند، مردم را سازمان میدهند، با خلق بهترین رابطه را برقرار میکنند و مردم آنها را در آغوش حمایت خود تکه میدارند.

از پایت استمرار و ادامه انقلاب مسلحانه ترسی نیست. هیچ ترس و خوبی نباید داشت. رضا یک درخت، درختی تناور از این جنگل انسان بود. رضا تنها نبود و نیست. ملیونها رضا رضائی پرچم او را بدست دارند و تجارب او و همزمان شهید او را بکار میگیرند. رضا تجسم یک سازمان انقلابی بود. سازمانی متکی بخلق، پیوند خورده با دریای توده. مردم به اندیشه و آیدئولوژی مجاهدین ایمان دارند. رضا بدون هر انسان دردمند و طنخواه زنده است. رضا نمونه انسانهایی است که گفته قرآن «در راه خدا و راه تکامل بشری، در صوفی همچون پولاد انبرد میکنند». افسونها و غوغاهائی که بوق و کرنای رژیم برآه میاندازد فقط خودشان را میغیرد و نه مردم ایران را، زیرا مردم ایران قهرمان راه رهائی خود را میشناسند.

مبارزه مسلحانه با گرمی و رنگی که خون شهیدان بدان داده دستاوردهای فراوان داشته است. عکس العمل و تکانی که در جامعه ایران پدید آمده سابقه نداشته است. اگر چنین نیست چرا اینقدر آمریکاییان متجاوز بسوی ایران سرازیرند؟ چرا اینقدر به نوکران خود اسلحه میدهند و چرا جاسوس بزرگ بین المللی، ریچارد هلنز را به سفیری امریکا در تهران میگذارند؟ زیرا احساس کرده اند که خلق ایران زنده است، تحریک شگرف مبارزان مسلح را دیده و هراسیده اند. اما نهایت و سرنوشت همه دشمنان خلق چیزی جز شکست نیست. امریکا با آن بمب افکنها و ناوگانها خوار و سرفاکنده، شکست خورده و سراپا ضعف از ویشتام بیرون آمد. از ایران هم همیشه بیرون خواهد رفت.

افتخار پیشگامان مبارزه مسلحانه خلق ایران این است که با قربانیان فراوان تکان لازم را در خلق ایجاد کردند و سد سکوت را شکستند. در چه سالی تظاهرات کارگری و دانشجویی و اعتراضات

بقیه از صفحه ۱

(۲)

بیدار ابدی قرار داده ایم، وفادار خواهیم ماند. رفیق اشرف دمقانی، این بزرگ فدائی خلق نیز چنین کرد. رفیق اشرف در ۳۳ اردیبهشت سال ۵۰ هنگامیکه در حال اجرای یک مأموریت چریکی بود. مورد حمله مزدوران دشمن قرار میگرفت و به تنهایی و بدون سلاح با بیسی از تن از مزدوران مسلح دشمن درگیر میشود و آنچنان دلیرانه به مقابله با دشمن دست می زند که پس از ۱۵ دقیقه هنوز نتوانستند بودند رفیق را از پای در آورده و دستگیر سازند، و حتی گری این حیوانات رذل بیان بود که مردی که شاعر این صحنه بودند از غم خونشان بحدود آمده و می میگرددند که در این مأموریت کتک خوردند. بالاخره در این درگیری نابرابر رفیق از توان افتاده و دست مزدوران دشمن اسیر میشود ولی باز هم از مبارزه دست برنداشته و در درون اتومبیل با آخرین توانی که در وجودش مانده بود به تضرع میبازد. اسلحه ای از دست مزدوری خارج کرده و صفحه سالی اتومبیل دشمن را با ضربات تاسی خورد میکند، ولی این دیگر آخرین توان او نبود. مزدوران دشمن او را به شکنجه گاه شهرستانی میبرند.

در آنجا شکنجه آغاز میشود. یک دختر فدائی به تنهایی در مقابل گریه از شکنجه گران قرار میگردد لطف سخت ترین آزمون فرامیرسد. به پیمان خلق وفادار ماندن و پایت کردن به خلق و وجود خود اندیشیدن؟ اینجاست که یک فدائی نه بخود، بلکه تنها و تنها بخلق خویش می اندیشد و رفیق اشرف دمقانی یک بزرگ فدائی خلق بود.

رفیق رانهم عربان به نهمکتی می بندند. و چندین مزدور با شلاق بیانی می افتند. ضربات شلاق بیابایی فرود می آید و همراهِ آن ناسزاها و وقحانه ای که شایسته خود و آریا با نشان است و آنگاه از او میخواستند که محل سکونت رفقای را افشا سازد. رفیق زخم شلاق را بجان میخورد و هیچ نمیگوید. دشمن بدگفت می آید (چگونه ممکنست که شلاق «خلق» آنچنانکه خود ادعا میکنند بر این دختر مبارز اثر نمیکند. پس باید شیوه ای تازه بکار برد.

بار دیگر وحشیانه محب می آورند و عربان میسازند و حیوان صفتی چون نهک طبع این مزدور کتیف و درمانده، و زلیله باز آری میبازد. آنها می خواستند با این وسیله او را تحقیر نمایند و مقابله مت آهنین را درهم شکنند. ولی رفیق قهرمان مانده تنها دردم شکسته نمیشود، بلکه آنچنان مقاومت دلیرانه ای میخاید که بیله بویاشا دختر انقلابی الجزایر از خود نشان داد.

باز هم دشمن ناکام میشود. این بار او را از شکنجه گاه شهرستانی به شکنجه گاه اوین منتقل میکنند. در اینجا بار دیگر شکنجه گران گرد می آیند و با طرخی تازه رفیق را به تخت فلزی بسته با شلاق و مشت و لگد بیانی می افتند، حسینی، حسین زاده، جوان نهک طبع و بزرگ بنویست به اطاق میسی آیتند و بی از مدتی شکنجه و آزار در حالیکه دیگر رفیق غلامی زند ندارند هسته و نا امید رنای می کنند و مزدور دیوانه ساواک، حسینی ابلهانه با ناوبر گوشت بدن رفیق را گرفته و بی بیجاند ولی سودی نمی بخند و تلاش مذبوجانه آنها بی نتیجه می ماند. این بار به مفزع علیل شکنجه گران فکری میرسد: بند ما بردون اطاقی که رفیق در آنجا به تخت بسته بود میسازند و آنها را بیجان عربان رفیق می اندازند، ما را در دور گردن رفیق حلقه میزنند و ساعتها می گذرد و رفیق بدون آیدنه کمترین عکس العملی از خود نشان نهد، در دل به حماقت مزدوران دشمن می غنجد این دلکها چریک فدائی را از ما برتر سازند. به خیال باالی یک بزرگ فدائی خلق که بمنابه شک ما را در یک دست پیوسته است، چگونه ممکن است از چنین چیز

بقیه در صفحه ۳

تحولی عظیم روبرو ساخت و همه جا گرمی بخشید. خون جوانانی مانند رضا رضائی شهید چهره ایرانی ها را گلگون و بر افروخته کرد و قهرمانی فرزندان دلیر وطن همه را سرفراز ساخت. آری وطن صاحب دارد. خلق ما بیاری پیشگامانش پیا خاسته. ایران راه فلسطین و ویتنام را دارد می بیاید. کشورهای آزاد و پیشرو از مبارزه مردم ایران خوب پشتیبانی میکنند. سنت مبارزه ضد ظلم در ایران ریشه دوان و قوی است. بگذار رژیم همتیاریش را بزند، عاقلان دانند که دست نشاندۀ خارجی کیست.

تا رضا رضائی ها پرچم انقلاب خلق را بدست دارند باکی نباید داشت. سازماندهی، توجه به خلق

دهقانی و نارضایتی بین بازرگان و روحانیون و همصدائی روشنفکران با انقلابیون مانند دو سال گذشته شنیده شده بود. از دو سال گذشته انقلابیون جهان صفحه خاصی برای ایران باز کردند. وقتی در شهریور ۵۰ با دستگیری رفقای مجاهد رضا سازمان الفتح اعلامیه داد، مردم ایران از خوشحالی شکفتند و رژیم فریبکار ایران غرقاً خجالت شد و اجباراً اعلامیه فتح را در صفحه اول روزنامه هایش چاپ نمود. وقتی انقلابیون امریکای لاتین اخبار انقلابیون ایران را مدام نقل میکردند، رژیم ایران برپاشفت.

مبارزه مسلحانه داخل کشور دانشجویان آزاد بخواه و وطن دوست ایرانی خارج از کشور را با

بقیه در صفحه ۳

پیروز باد انقلاب مردم خاور میانه

بقیه - زندگی با طول ..

و فکر و تجربه همراه عمل مسلحانه ، وحدت نیروهای انقلابی در داخل و خارج کشور رژیم شاه و اربابان امپیکانیس را بخاک خواهد کشاند و مردم پیروز خواهند شد .

رضا با امید و اعتماد به پیروزی نهائی چنان شبانه روز کار میکند که ما فوق آن قابل تصور نبود . رضا بخدا و مردم ستمدیده ایران و مبارزه مسلحانه رهائی بخش ایمان خلل ناپذیر داشت ، واقعا خلل ناپذیر .

خوشا بحال رضا که در حیات کم طول اما پر عرض خود فرصت یافت که بخلق ستمدیده و محرومان خدمت کند . برای رضا و رفقای او همین سعادت بسی که شاه دشمن شماره یک مردم ایران ، او را اینقدر دشمن خود تلقی میکرد . رضا پس از فرار از زندان - که رژیم جرات گفتنش را ندارد - یکسال و نیم رژیم را آزاد داد . رضا ، سازمان او و همزمان او از دیگر گروههای مسلح بارها تبسم را بچهره محرومان بازگردانیدند .

آری ، ستمدیدگان ، شلاق خوردهها میدانند که با خیر مرگ سرلشکر طاهریها و سرهنگ هوکینزها چقدر خوشحال میشوند . رضا رضائی ، مجاهد شهید با اختیار و اراده کامل به ایدئولوژی خدمت به خلق ، ایدئولوژی اصل اسلامی ، ایدئولوژی نجات محرومان از چنگال هر گونه ستم و سرانجام به تفنگ ایمان آورد . اراده آزاد انسانی وقتی با تفنگ در آمیزد معجزه میآفریند . و زندگی رضا چنین بود . او بسیار به خلق خود ، بسازمان انقلابی خود و به محرومان خدمت کرد . دلهای بسیاری در نقدان او تپید . رضا با فدائیان و مجاهدین وداع گفت .

اما روح رضا که تجسم سازمان اوست در بین مردم باقی است و راه مینماید که در برابر دشمنان مردم و در برابر بیگانگان و تاراجدهندگان و آنان که ایران را به حراج گذارده نباید ساکت نشست . باید بهر وسیله که شده ، با بیب و گلوله ، قلب دشمن را شکافت . رضا نشان داد که نه تنها با انقلابیون فداکار ایرانی از چریکهای فدائی خلق ، حماسه آفرینان انقلاب مسلحانه خلق ، و دیگر گروههای مسلح باید ارتباط داشت بلکه باید با انقلابیون جهان پیوند ناکسستی برقرار کرد . پیوند با خلق قهرمان فلسطین رضا را همراه با دیگر رفقایش به فلسطین و به پایگاههای انقلاب فلسطین رهنمون شد . رضا خوب درس آموخت که باید با اسرائیل و ملک حسین همانسان جنگید که با محمد رضا شاه و رژیم دست نشانده او . رضا قهرمانانه بخلق خود نیرو بخشید و از او نیرو گرفت و بدریای خلق پیوست . انقلابیون فلسطین او را بزرگ داشتند . شهادت او را به خلق ایران تسلیت گفتند . عکس رضا در بسیاری از مجلات انقلابیون جهان بعنوان یک انقلابی بزرگ چاپ رسید . رضا و سازمان مجاهدین که اینروزها بطرز وحشیانهای مورد حمله ارتجاع و امپریالیسم آمریکا و صهیونیستها است مورد تائید مردم از طبقات مختلف است . برای نمونه دانشجویان قهرمان برای مجاهدین تظاهرات کردند و سالروز مرگ شهیدا را اعتصاب و اعلام سکوت کردند و ساختمان دکتر مجتهدی در دانشسگاه آریامهر را بنام علی باکری ، مجاهد شهید نامگذاری کردند . روحانیون روشنفکر و انقلابی ایران بارها راه رضا و انقلابیون ایران راستیونند . تهنتمهای رژیم موفق نمیشوند که در صفوف خلق تفرقه بیندازد .

رضا رضائی مانند انقلابیون شهید دیگر از کلیه گروههای انقلابی و مسلح بر تارک افتخارات خلق میلرختند رضا تجسم اراده انسانهای آزادخواه و زنجیر گسل است . پس رضا زنده است ، رضا نخواهند مرد .
ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون
هرگز آنان را که در راه خدا (راه رهائی

بقیه از صفحه ۲

مائی باك داشته باشد ؟ او با بر خودی، یعنی، با پدیده های مخالف آنها را برای خود قایل سازد . دشمن دیگر جان آمده است و در حالیکه از بیطرف نا راستی و عصیانیت بخود می بیدد وسیله باصلاح مود ثری مهروود . این با را فرایه شدنجه جنسی تهدید می کنند و با بملری مملووا ز آب جوی به آزار او مهپردا زند ولی رفیق با زرم با دشمن سخن نمیگوید . سرود می وضا رمیدند . و صحنان با اراده ای استوار در حالیکه جسمی به تطلیل رفته با روح جرمینم ووزد . حسین زاده ، این هجوان زیویا این رذل، ترین بکنده گر سا واك به عجز و لایه می اسیر زنده است و تمام شیوه های ممکن بکار گرفته شده ، در حالیکه هیچ اطلاعی از او بدست نیامده است . دیگر بپاره ای باقی نهماند ، دیگر ادامه شکنجه منحن نیست . چون ترمین از غلیان خشم غلسق اجازه کتفتن يك دختر را در زیر شکنجه نمودند ، بنا با ر شکنجه را قطع می کنند و این آخرین حسرنی بود که این مزدور کثیف در آن هنگام که در مقابل عظمت دلیری و با بمردی رفیق، برانودر آمده بود بزمزبان جاری میسازد . من اصعب از خودم معتذر شدم "))

بعد از این شکنجه ها که حاضر فقط باس و نا امید برای دشمن بود ، رفیق را با ردیگر بنه زندان شهرائی منتقل می کنند . در اینجا رفیق که دنبال وسیله ای برای خودکشی میگشت مدت ۱۳ روزا و خوردن غذا امتناع میوزد و فقط با سرم غذائی نگاهش میدارند . در این مدت مزدوران او را با ضلع شکنجه سبک می کنند . يك زن کثیف و بجزره که اما مور مراقبت او بود همه روزه رفیق را - می آزد و معزوب میسازد . مزدوران بوسایل مختلفه به تحقیر و مهپردا زند ، بکبا رسمی میزنند لکن برآزمودن او با قاشق به رفیق بخوراند ولی رفیق رزمنده ما در حالیکه دستا نره به تخت بسته بود با خردتی لکن را سردگون کرده و مانع ادامه کارشان میگردد . همچنین در این مرحله یکسسی از زمین مزدوران کثیف بنام خلائی (رئیس عملیات اداره اطلاعات) لوله هفت تیریس را مابا بسبل یعنی رفیق قرار میدهند و تهدید میکنند که اگر به حرف در نیاید بیغیر ، اسواچ میکند ولسی رفیق شبا غا د شقیقه ای را در مقابل رولور قرار میدهند و با این ترتیب مزدور از حرکت خود پیشبسیسان شده و از ادامه کار منصرف میشوند .

دشمن سمنان میخونند بشیوه های گوناگون رفیق را زجر میداد و آنگاه که مطمئن میشد تمام شکنجه های جسمی و روانی بر رفیق بی تاثیر است ، برای دومین عکستن روحیه او افراد خانواده او را به زندان می کشند و بعد از آنکه برادر دلبهری ، رفیق ، بهروز دمقانی را ضمن يك برخواستور مسلحانه دستگیر کرده و به شدتترین وسیله شکنجه میزدند ، رفیق اشرف دمقانی را در جریان ایسن شکنجه با ترازمیدهند خیال دشمن بوج و باطل بود ، مشاهده و تحقیات ترمین اعمالی که با برادر سرزم اشرف کردند نه تنها روحیه او را ضعیف نمیکرد بلکه کینه و خشم را نسبت بدشمن صد پندان میساخت . رفیق آموخته بود برای مبارزه روحانی بخلق ، مشکلات و نا ملائمت را با یسد به جان خرید ، او در حالیکه شاهد قتل برادر رزمنده ای در زیر شکنجه دشمن بود ، از این بوته آزمون نیز سربلند بفریون می آید و اسرار خلق را سمنان در سینه خود نگاه میدارد .

با در اینجا بیکبار دیگر شاهد آزاره تریا، فدائی خلق ، رفیق بهروز دمقانی را زنده کرده و بخون پاکسی سونفد یاد می کنیم که انتقام از دشمنان مزدور پارستانیم .
تانی برای از بین بردن روحیه مبارز رفیق ادامه میا بد ولی رفیق که توان جسمانی را از دست داده بود در سمنان توان ردهبر را حفظ میدرد . او هرگز با دشمن سخن گفت جز با برخا شدی و تفرص بقیه در صفحه ۴

بقیه - اخبار

میگردد . پس از پایان این دوره بدوسال خدمت در منطقه گرمسیر و پنجسال محرومیت از مزایای اجتماعی و حقوقی و اشتغال بکارهای دولتی و یکسال تبعید به کاشان محکوم میشود . طبق خبر رسیده بشدت او را با سیم کابل تلفن شلاق زده بودند و آثار شکنجههای مختلف روی گردن و صورتش نیز آشکار بوده است . بعلت آروختن وزنههای سنگین بالایات تناسلی او ، از درد و عوارض شدید آن رنج میرید . رژیم جهت پرونده سازی ، او را باعتیاد و حمل مواد هروئین متهم کرده است ، در حالیکه او مبارز میهن پرستی است و تاکنون تمام شکنجه ها را بخاطر آرمانهای مبارزاتیست تحمل کرده است .

اعتراض دست به اعتصاب غذا میزنند و پس از ۴ الی ۵ روز اعتصاب ندا و پس از قول قطعی که در مورد عدم تکرار تجاوز به حقوق زندانیان بانها داده میشود ، اعتصاب غذا را پایان میرسانند .
طبق خبر موثقی که رسیده ، سرباز وظیفه سید وودد نبوی از گروهان بهداری که در پادگان رضاییه مشغول خدمت سربازی بود ، بجرم وابستگی به چریکهای فدائی خلق هنگام تشریح مسائل سیاسی و انقلابی برای چند نفر از دوستانش ، دستگیر میگردد .

در دوازدهم خرداد زدو خوردی دن میندان ۲۵ شهروید بین پلیس و يك انقلابی فرآوری

این جوان وطنپرست که از دبیرستان بخدمت سربازی اعزام شده بود ، تحویل لشکر زدهی بشهد داده میشود و پس از تکمیل پرونده در سازمان رکن ۲ ارتش ، به تصد اعزام میشود

اخبار

★ از زندان ساری بیش از ده انقلابی که در بین آنها دو تن از اعضای سازمان مجاهدین خلق بنامهای قتی شهرام و عزتی و یکی از اعضای سازمان ساکا نیز بودند، با افسر رئیس زندان بنام ناصر احمدی موفق به فرار گردیدند. شرح این فرار انقلابی بقرار زیر است:

قتی شهرام پس از زندانی شدن احساس مینماید که ناصر احمدی به آنان تمایل نشان میدهد - قتی شهرام با وی به روشستگری میبرد و پس از چندی به وی پیشنهاد خواندن کتابهای صمد بهرنگی را مینماید. مدتی بعد احمدی با شهرام دو میان میگذارد که وی قصد دارد به پناه گرفتن مرخصی نزد صدری رئیس شهرداری رفته و او را ترور نماید. شهرام با این کار موافقت ننموده و پیشنهاد بهتری، یعنی آزادی زندانیان را مطرح مینماید و سپس طرح فرار آماده میگردد.

احمدی مقداری سوهان و اره آهنبر بکمک زندانیان در گوشه‌های سلول قرار میدهد. سپس در حضور استوار زندان تظاهر بظرف کردن و اینکه گویا عده‌ای قصد فراری دادن زندانیان را دارند مینماید. احمدی پس از پایان ظن ظاهری به جستجوی زندانها پرداخته و بانسان دادن سوهان ها و ارهها پاسانها را متمم به همکاری برای فراری دادن «خرابکاران» نموده و پس از خلق سلاح کردن، آنان را برای بازپرسی زندانی مینماید. به دیدن زندان نیز دستور میدهد فقط از جلاد مقابل پاسداری نماید.

سپس زندانیان و احمدی با مقداری فشنگ و ۲۴ قبضه اسلحه با اتومبیلی که احمدی از یک دوست مهندسی گرفته بود فرار مینمایند. فراری روز فرار پس از وقوف مسسولین پاسانهای زندان بخاطر خلق سلاح شدن توییح میگردند و صاحب اتومبیل تحت شکنجه قرار میگردد. بخاطر اهمیت موضوع در مازندران حکومت نظامی اعلام میگردد و سبهد مینباشیان رئیس «کمیته مبارزه با خرابکاران» شخصا به ساری مسافرت مینماید. از این تاریخ تمام راههای استان مازندران تحت کنترل و بازرسی بوده جنگلها نیز توسط هلیکوپتر مراقبت میگردند.

★ خانم دکتر مستوره احمد زاده، خواهر فدائیان شهید مسعود و مجید احمدزاده را مجدداً پزندان انداخته‌اند. خانم دکتر مستوره احمد زاده یکبار همراه با برادران فدائی و شهیدش دستگیر شده بود و ۸ ماه در زندان اوین بود و در آنجا تحت شکنجه قرار گرفته بود. اخیراً پس از مدتی که او را آزاد کرده بودند، دوباره گرفته‌اند.

★ چندی پیش مامورین پلیس به دبیرستان دخترانه رفاه واقع در خیابان زاله میرزند تا رئیس دبیرستان یعنی خانم پوران بازرگان همسر مجاهد شهید محمد حنیف‌نژاد و خواهر مجاهد اسیر منصور بازرگان را دستگیر نمایند. خانم بازرگان موفق میشود که از چنگ مامورین پلیس فرار کند و کوشش مامورین جلاد پلیس برای دست یافتن بوی بجائی نرسیده است.

★ در اوائل اردیبهشت ماه گذشته خواهر دانشمند گرامی آقای دکتر محمد جواد باهر کرمانی، از روحانیون روشن و متمهد بظرف را بازداشت و تحت شکنجه قرار داده‌اند. این عمل وحشیانه سازمان امنیت تنفر همگان در کرمان را برانگیخته است.

انقلابی. هنوز فریادهای رفیق اشرف دهقانی در گوش مزدوران رژیم زندگ میزند که: "ندیسیم گویم نمی گویم با تو ساز نمی کنم دشمن انسان پیروز باد جنبی مسلحان نسیم خلق مرگ بر دشمنان خلق پیروز باد خلق قهرمان ایران"

موضوع تهاجمی رفیق آذینان تأثیر بر دشمن نداشته بود نه انفراد صلح دشمن از بنا رتختنوا بینسی که ویرایان بسته بودند با احتیاط عبور میکردند.

بهرحال رفیق را در یک دادگاه سر بسته نظامی به ده سال زندان محکوم می کنند ولی دشمن خوب میدانست که یک تریک هرگز در نمی آید. رسالت انقلابی خود را از یاد نمی برد و در زندان نیز فعالیت و متصرفیاتی مینماید. می دانست که یک اندیشه می تواند خلق ستمی خود را از ماتمیت ضد خلقی رژیم آگاه سازد و اعمال کثیف و ظالمانه او را افشا کند. اینست که در زندان عمومی جامع از همه تدابیر و وقتها ^{دستی} زنداندره با زندانیان عادی، زنان سرور و رنج کشیده اجتماع میشوند رفیق در زندان برای یمنظور شدت بیشتر در مبارزه ظفر دشمن مسلحانه و با بهره گیری از بسک فرصت مناسب از زندان گریخته و به صفوف همزمان در سازمان "جریحهای فدائی خلق" میپیوندد و هم اکنون در پی روشهای رفتاری خود به یکبار در راه رهایی خلق و پیشبرد انقلاب ادامه میدهد.

این پیام رفیق اشرف دهقانی به کلیه مبارزین مدیو و جان نیاز راه رهایی خلق است:

"هم میهنان! دشمن خلق ماست قدرت تاکتیکی و تکنیکی خود مینماید و آنرا وسیله ای برای ترس و رعب خلق ساخته است. ضمناً میخواند که قدرتش را بپوشاند از آنجه که هست و انسود سازد و از این رفیق بیخبر اندیشه مقاومت را در اندان خلق نابود کند. درست است که دشمن از تسلط تکنیکی در شرایط بهتری برخوردار است ولی با نیز با تنه بر مزیتهای روانی که نسبت به دشمن داریم و با تصور ایمان و فکر خلاق انقلابیان و نیز با تباری که بدست آورده ایم بسط و دستگیر در هر شرایطی دشمن ضربه زده و از او پیشی بگیریم."

ادامه فرود مبارزه مسلحانه در دو سال و نیم اخیر عملاً ثابت کرده است که خط معی میبگانه راه رسیدن به پیروزی است. اکنون زمان آن رسیده است که تمام نیروهای مترقی و انقلابی به مبارزه مسلحانه پیوسته و دین خود را به انقلاب رهایی بخش خلق ادا نمایند.

شاید در اینجا بی مناسبت نباشد احسان خود را در مورد برخوردیم در مقابل دشمن شکنجه گر بیسیان تمام: آنگاه که دشمن بشدیدترین وجهی جسم مرا مورد تضرع قرار میدهد و تنها عاملی که مرا بقامت و میداشت عشق شدیدی بود نسبت با نراد خلقمان در سینه داشتم. آنگاه که شکنجه می شدم افراد زحمتکشیها تی که مدتی در آنجا بملم بودم جلو چشمانم ظاهر میشدند. ایچک که تریان قاسم و ... را میدیدم که با نترانی و بی تابیی تمام منتظرند ببینند که من چه خواهم کرد؟ آیا به آنها وفادار خواهم ماند یا با دشمن طبقاً تیشان سازم کرده و به آنها پشت خوانم نمود؟ ولی رفقا چگونه میشود به ایچک ما، قاسم ها و ... پشت کرد؟ چگونه میشود به خلق پشت کرد؟

"درد براسرا و زندانیان سیاسی که دلیرانه در مقابل شکنجه های ترونی و سالی رژیم فاشیستی شاه، مقاومت میوزند"

"نابود باد سله امیرالیم امریکا و حکومت شاه دست نشانده"

"پیسروز باد مبارزه سلطانه، تنهارا، رهائی خلق"

"تریکهای فدائینی خلق"

برادر بزرگ او هنوز در زندان کمیته زندانی و تحت شکنجه میباشد.

★ در اصفهان سازمان امنیت با کمک دو روحانی نما آقایان صوفائی و غلامی را دستگیر و زندانی ساخته است.

★ چندی پیش مامورین زندان قزل قلعه بطور ناگهانی به سلولهای زندانیان رخنه و زندانیان را مورد ضرب و شتم قرار میدادند. سر انجام روزی زندانیان بجان مامورین جلاد رژیم افتاده و حسابی از پس آنها بر میآیند. در این ماجرا مبارزان قهرمان و دلیر دکتر عباس شیبانی، طاهرزاده و بیژن جزئی را متهم میکنند که زندانیان را به مقاومت و مقابله با مامورین تشویق کرده و در زند مامورین دست داشته‌اند. اداره زندان این قهرمانان را به زندان انفرادی میاندازند و آنها هم بعنوان

★ در تهران عده زیادی از بازاریان مبارز دستگیر شده‌اند. اسلامی برخی از این مبارزین بشرح زیر است:

★ محمد علی جوانمرد، رضا حسینی و سید احمد معروف به مجاهد. سازمان امنیت در جریان این دستگیری یک دستگاه چاپ و حدود سی هزار جلد کتاب حکومت اسلامی حضرت آپتالله خمینی را نیز ضبط نموده است.

★ در اواسط خرداد ماه برادران عیسوی، از دانشجویان اصفهان، توسط سازمان امنیت دستگیر شده و تحت شکنجه شدید قرار گرفته‌اند.

★ روز پنجم خرداد برادران ناصرزاده، فرزندان حضرت حجه الاسلام آقای حاج شیخ محمد صادق تهرانی، که از فضایی پر شور حوزه علمیه قم میباشند توسط سازمان امنیت دستگیر و شکنجه داده میشوند. گفته میشود

زنده باد خطا طره شهیدی سوام تیر